

سبک مهمانی و میزبانی از منظر قرآن

محمد رضا رضوانی*

چکیده

اصلاح سبک زندگی بشر و ارائه الگوی دینی و آسمانی از رسالت اصلی انبیاء بوده که همه ادیان الهی، به ویژه اسلام و قرآن کریم بر آن تأکید دارد. تبیین آموزه‌های دینی و آشناساختن مردم با معارف و فرهنگ قرآن از دیرباز مورد توجه متفکران اسلامی بوده که در همین راستا، بارها به اصلاح «سبک زندگی» و پیاده کردن فرهنگ قرآن در جامعه اسلامی تأکید و اصرار ویژه داشته‌اند. مقاله حاضر یکی از جنبه‌های مهم زندگی یعنی سبک "مهمانی و میزبانی" را از منظر قرآن مورد بررسی قرار داده است. سبک‌هایی مانند: اجتناب از رفتن بدون دعوت، اجابت دعوت، اجازه به هنگام ورود، سلام دادن، دعا در بدو ورود، نشستن طبق دلخواه صاحب‌خانه، پرهیز از رفتن قبل از وقت، پرهیز از سرو صدا، غذا خوردن متعارف، خارج شدن پس از صرف غذا، دعا و شکرگذاری و... در مجموع ۲۳ روش در مورد مهمان، و آدابی مانند: دعوت‌نامه، جواب سلام، برخورد نیکو و تکریم مهمان، گفتگو و محاوره، پذیرایی سریع و مطلوب، فرق

*. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم تربیتی، جامعه المصطفی العالمیه،

m.rezvani1388@gmail.com

نگداشتن میان مهمانان، پذیرایی محترمانه، انفاق از مال حلال، پرهیز از تکلف و اسراف، پرهیز از اختلاط زنان مردان، دعا و بدرقه مهمان و... در مجموع ۱۸ روش قرآنی در باره میزبان مورد بررسی قرار گرفت و همگی بیانگر آن است که اگر امروز این سبک متعالی و متعادل قرآنی در مهمانی‌ها و میزبانی‌ها مورد توجه قرارگیرد، یک تحول مهمی در رفتار و فرهنگ اجتماعی بوجود خواهد آمد که در نتیجه موجب پدیدارشدن دوستی‌ها، استحکام روابط خویشاوندی، رشد اقتصادی و تحقق توسعه فرهنگی مورد نظر اسلام خواهد شد.

واژگان کلیدی: قرآن، سبک زندگی، مهمان، میزبان.

مقدمه:

قرآن مجید کتاب هدایت و نسخه سعادت بشر و چگونه زیستن آنها است که خداوند متعال آنها را به رحمت و اسعایش بر بشریت ارزانی داشته است. معانی و مفاهیم بلند قرآن در طول قرون و اعصار از جهات مختلف در حیات فردی و اجتماعی انسانها تأثیرات پیدا و پنهان شگرفی داشته که نمونه بارز آن، اصلاح سبک زندگی بسیار منحط جاهلی است که آنان به برکت اسلام و قرآن از آن پرتگاه آتش نجات یافته و به حیات طیبه نائل گردیدند (آل عمران/۱۰۳). و امروز هم مسلمان و سعادت‌مند واقعی کسی است که در تمام مراحل زندگانی‌اش متأثر از فرهنگ قرآن بوده و با قرآن سرو کار دارد؛ به این معنی که **سبک زندگی** او در تمام جنبه‌های فردی، اجتماعی، مادی و معنوی منطبق با قرآن باشد. جامعه اسلامی نیز زمانی به تکامل واقعی رسیده که مردمان آن در همه‌ی احوال زندگی روزمره از کیفیت پوشش گرفته تا گفتار و رفتار، معاشرت‌ها و ارتباطات اجتماعی و... همه و همه رنگ و بوی الهی و قرآنی به خود گرفته باشند.

اصلاح سبک زندگی بشر، سابقه به درازای تاریخ دارد. چرا که ارائه الگوی دینی و آسمانی از رسالت اصلی انبیاء بوده و همه ادیان الهی، به ویژه دین مقدس اسلام در همه ابعاد زندگی بر آن تأکید دارد. متفکران و اندیشمندان اسلامی نیز از دیرباز اصلاح سبک زندگی در ابعاد مختلف را مورد توجه قرار داده‌اند که در همین راستا، اصطلاح «سبک زندگی» بارها توسط رهبر معظم حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (دام‌ظله) مطرح و به خصوص در سفر به خراسان شمالی در تاریخ ۹۱/۷/۲۳ در جمع جوانان این استان، به آن تأکید و مطالب ارزشمندی حول محور «سبک زندگی» ایراد فرمودند که نشان از اهمیت این بحث دارد. از آن به بعد این بحث در ادبیات و فضای گفتمانی جامعه به طور گسترده وارد شده و از مباحث مطرح روز به شمار می‌آید. نامگذاری سال ۱۳۸۸ به عنوان سال اصلاح الگوی مصرف نیز تداعی گر همین معنا و اصلاح جنبه‌های مختلف سبک مصرف جامعه اسلامی را خواهان و مد نظر قرار داشت. چرا که سبک مصرف در زندگی اگر اصلاح شود، تحول و پیشرفت مهمی در متن زندگی جامعه اسلامی در ابعاد مختلف حیات تکاملی فردی و اجتماعی رخ خواهد داد.

یکی از جنبه‌های مهمی که در "سبک زندگی" به آن توجه شود، سبک "مهمانی و میزبانی" است. چرا که این بُعد از زندگی و اصلاح بعضی از سبک‌ها و رسومات عرفی، تجمل‌گرایی و مصرف‌های بی‌رویه در مراودات دوستانه از ابعاد مهم زندگی اجتماعی و مورد تأکید اسلام و آموزه‌های قرآن کریم است. این سبک، از آیات مختلف قرآن قابل استفاده است که یک سبک بسیار جذاب، معنویت‌بخش و فلاح‌آور است که تکریم متقابل مهمان و میزبان را نیز به همراه دارد. جامعه امروز از بسیاری این آداب، محروم و بی‌خبرند و یا با فاصله گرفتن از این ارزش‌ها، دچار افراط و تفریط و

رسومات دست و پاگیر و کمرشکنی شده‌اند که با سبک زندگی یک مسلمان آرمانی همخوانی ندارد.

اگر این سبک متعالی و متعادل قرآنی در مهمانی‌ها و میزبانی‌ها مورد توجه قرارگیرد، یک تحول مهمی در رفتار و فرهنگ اجتماعی بوجود خواهد آمد که موجب پدیدار شدن محبت و دوستی‌ها، استحکام روابط اجتماعی و خویشاوندی گردیده و توسعه فرهنگی مورد نظر اسلام در این بُعد از زندگی محقق خواهد شد.

از این مقدمه، می‌توان تا حدودی به اهمیت و ضرورت سبک‌زندگی و اصلاح سبک متداول در مراودات اجتماعی و ضیافت‌های دوستانه و جایگاه آن در تحول و توسعه فرهنگی جامعه اسلامی پی‌برد و اندکی از نقش‌آفرینی آموزه‌های قرآن در سعادت و پیشرفت جامعه دینی آگاه گردید. نوشتار حاضر در صدد است تا آداب و سبک مهمانی و میزبانی را از آیات قرآن استخراج و مورد بحث و بررسی قرار دهد.

مفهوم شناسی

الف: مفهوم سبک

سبک، در فارسی به معنای قالب، ریخت، طرز، شیوه، راه و روش (عمید، ۱۳۸۵: ص ۷۶۵)، و هم‌معنا با الفاظی همچون: آداب، رسوم، قاعده و قانون، اسلوب، طریق و فن است (ر.ک: همان، ص ۵۹ و ۶۹۹؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۵، ص ۱۶۸؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۸۳). واژه style به زبان لاتین نیز به معنای سبک و روش سخن‌گفتن، نوشتن یا عمل کردن به کار می‌رود. اما اکثر زبان‌شناسان، سبک را به هنر تفسیر کرده و به رابطه استوار میان آن- دو اشاره نموده‌اند، چون واژه «فن» یا هنر یعنی مهارت در کار و عمل و یا اداء سخن با

نظرداشت مقتضای حال و میزان توجه و کثرت جمعیت و ارزش موقعیت می- باشد(الکواز، ۱۳۸۶: ص ۳۵ و ۴۶).

بنا بر این، کلمه سبک و هنر؛ یعنی مهارت و نوآوری در بیان مطلب و یا دانستن شیوه‌های مختلف یک کار که شخص آن را در کلام و یا در مقام عمل به کار می‌بندد.

ب: مهمان

مهمان کسی است که به خانه کسی دیگر برود و در آنجا از او پذیرایی کنند (عمید، ۱۳۸۵: ص ۱۱۸۲). معادل واژه "مهمان" در زبان عربی، کلمه "ضیف" است که در اصل مصدر و به معنای میل یک شیء به سوی شیء دیگر است چنانکه گفته می‌شود: «ضَافَ إِلَى كَذَا» یعنی بسوی آن میل کرد. «ضِفْتُ إِلَى كَذَا» بسوی آن میل کردم. و «ضَافَتِ الشَّمْسُ لِلْغُرُوبِ» خورشید به غروب متمایل شد (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۷ ص ۵۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۵۱۳) و علت تسمیه مهمان به ضیف نیز آن است که به طرف انسان میل می‌کند و به منزل او وارد می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۸۷؛ قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۲۰۳).

واژه - ضِیَافَة - معمولا در باره مهمانی است. ضَافَ - ضِیْفًا و ضِیَافَةً [ضیف]: ه؛ یعنی او را دعوت به مهمانی کرد، برای او مهمان آمد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۵۱۳؛ بستانی/مهیار، ۱۳۷۵: ص ۵۶۵).

ج: میزبان

میزبان به معنای مهماندار، صاحب‌خانه و کسی است که از مهمانان پذیرایی می‌کند (عمید، ۱۳۸۵: ص ۱۱۸۶).

د: مهمان و میزبان در قرآن:

در قرآن کریم نیز واژه مهمان و میزبان مطابق با معنای لغوی وارد شده و از مهمان به عنوان "ضیف" تعبیر نموده و از میزبان و صاحب البیت به عنوان کسی که مهماندار و پذیرای مهمانان است در مواردی خاص به اسم و مشخصات، به صراحت نامبرده شده است. به عنوان مثال در سوره مبارکه حجر آیات ۵۱-۶۰ و سوره مبارکه ذاریات آیات ۲۴-۳۲ داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و پذیرایی شایسته‌ی او از مهمانانش مطرح گردیده است.

سبک مهمانی و میزبانی از منظر قرآن

ازجمله دستورات مهم و مؤکد اسلام درباره وظایف یک مسلمان، نحوه برخورد و ارتباط وی با دیگران است. با توجه به آنکه انسان موجودی مدنی و اجتماعی است، بایستی آداب و روش، حدود و مرزهایی برای ارتباط اعضاء جامعه با یکدیگر وجود داشته باشد تا زندگی همگان در سایه عمل به آنها که در قالب قانون تجلی دارد، با آرامش و رفاه، صمیمیت و همدلی و مهربانی سپری گردد. دین مقدس اسلام که در بردارنده مرفقی‌ترین و جامع‌ترین قوانین سعادتبخش است، از این جنبه مهم زیستی نیز غافل نبوده و چنین قوانینی را تحت عنوان آداب و شیوه‌های معاشرت بیان داشته است.

شیوه و سبک مهمانی و میزبانی یکی از این آداب است که با مراجعه به آیات قرآن می‌توان یک سبک بسیار مرفقی و جامعی بدست آورد که نقشه راه زندگی اجتماعی و الگوی مدرن برای مهمانی‌ها و میزبانی‌های ما باشد. توجه به راهنمایی‌های قرآن و استفاده از شیوه‌های شایسته آن در معاشرت‌ها و ضیافت‌های دوستانه، موجب تحکیم پایه‌های محبت و دستیابی انسان به ارزشهای والا خواهد شد. زیرا از یک‌سو

با مشاهده رفتار نیکو، دیگران به داشتن رابطه و معاشرت با انسان علاقه‌مند و متمایل می‌شوند (نهج البلاغه، ۱۳۸۰: نامه ۵۳، ص ۵۷۴)، و از سوی دیگر خود انسان متخلق به اخلاق الهی گردیده و به ارزشهای کمالی دست پیدا خواهد کرد. در صورتی که عدم توجه به این آموزه‌ها، موجب دوری و نفرت از همدیگر، و مانع پیدایش پیوند محبت، و یا سبب گسستن رشته دوستی و مهرورزی خواهد شد.

مجموعه آداب و سبک ضیافت به دو دسته تقسیم می‌شوند: یکدسته صفات و رفتاری است که "مهمان" باید رعایت نماید و بدانها آراسته باشد، ودسته‌ی دیگر رفتاری که "میزبان" باید از خود در جهت اکرام و پذیرایی از مهمان بروز دهد. اکنون به مهمترین این آداب از منظر قرآن کریم می‌پردازیم:

الف: سبک مهمانی

بدون شک ضیافت و مهمانی، اکرام و احترام مهمان، و نیز اجابت دعوت دوستان، نشانه‌ی دوستی و محبت و از دستورات مهم اسلامی است که از اهمیت ویژه برخوردار بوده و از چند جهت ارزش دارد؛ از نظر ارزشی: مسأله مهمانی، هم یک عبادت و هم یک تزکیه (از بخل) و خودسازی است «...وَإِكْرَامِ الضَّيْفِ ... فَإِنَّهُ مِنْ أَفْضَلِ الْعِبَادَةِ» (مفید، ۱۴۱۳: ص ۲۲۱). از نظر اجتماعی: هم تالیف قلوب و هم تثبیت شخصیت است «وَتَثْبِيْتاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (بقره/ ۲۶۵). از نظر روانی: هم صله رحم، و هم ادخال سرور است. از نظر قومی و فامیلی: وسیله ارشاد و دعای خیر است (قرائنی، [بی‌تا]: ص ۱). علاوه بر اینکه موجب ازدیاد روزی و خیر و برکت برای صاحب‌خانه و باعث آمرزش گناهان او نیز می‌گردد (کلینی؛ ۱۳۶۵: ج ۶، ص ۲۸۴). ولی آنچه در درجه اول اهمیت دارد شناخت آداب و شیوه‌های مهمانی و میزبانی است، زیرا انسان اگر با آداب و سبک درست مهمانی و

میزبانی آشنا نباشد، پایه‌های محبت و دوستی را در معرض خطر ریزش و فروپاشی قرار داده، و از پیامدهای زیانبار دنیوی و اخروی آن نیز در امان نخواهد بود.

قرآن کریم در آیات مختلفی ضمن سفارش به انفاق و اطعام و تقبیح صفت بخل (فجر/۱۸-۲۰؛ مدثر/۴۴؛ حاقه/۳۴؛ مائده/۸۹)، رعایت تقوا، تغذیه حلال و اعتدال در انفاق را از صفات برجسته‌ی بندگان خدا برشمرده (اسراء/۲۹، فرقان/۶۷، اعراف/۳۱؛ نحل/۱۱۴)، و سبک‌های بی‌پایه و بر اساس حدس و سلیقه، تجمل‌پرستی، تنوع‌طلبی و زیاده‌خواهی، و نیز معاشرت با چنین افرادی را مذمت نموده و آن را موجب لعن و نفرین، جهنمی شدن انسان و پشیمانی اخروی دانسته است (ر.ک: بقره/۶۱؛ ذاریات/۱۰؛ بقره/۲۱۱؛ هود/۱۶۱-۱۶۲؛ نحل/۱۱۲ و فرقان/۲۸).

لذا سعی ما بر آن است که در این بخش، آداب و شیوه‌هایی را که در مهمانی‌ها از جانب مهمان رعایت شود، با توجه به آیات قرآن مورد بحث و بررسی قرار دهیم:

۱. اجتناب از رفتن به مهمانی بدون دعوت

قرآن کریم با اشاره به رعایت این ادب اسلامی از جانب مهمان، در آیه ۵۳ سوره احزاب می‌فرماید: ﴿وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا﴾؛ (ولی هنگامی که دعوت شدید وارد شوید).

در آموزه‌های اسلامی تأکید گردیده که مهمان نه تنها خودش بدون دعوت نرود که به هیچ وجه نفر اضافه هم با خود نبرد و حتی اگر پدر یا مادری را دعوت کردند آن‌ها بچه‌هایشان را همراه نبرند. چرا که بردن فرزندان و استفاده آنان از سفره میزبان، یک امر غصبی و حرام است. چنانکه پیامبر ﷺ فرمود: «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى طَعَامٍ فَلَا يَسْتَتِيعَنَّ وَلَدَهُ

فَإِنَّهُ إِن فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ حَرَامًا وَ دَخَلَ غَاصِبًا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۲؛ ص ۴۴۵، باب ۸۸، ح ۳).

۲. اجابت دعوت

اجابت دعوت دوستان، یکی دیگر از آداب مهمانی است که باز هم آیه ۵۳ احزاب بیانگر آن است: ﴿وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا﴾؛ (وقتی دعوت شدید، اجابت نمایید و وارد شوید).

بعضی هستند که اگر خانه‌ی یک شخصیت مهم دعوت شوند، می‌روند. اما از فقرا و افراد عادی به بهانه‌ای گرفتاری‌های مختلف عذرخواهی می‌نمایند. این اخلاق قرآنی نیست. پیغمبر ﷺ هم اینطور نبود. آنحضرت فرمود: اگر یک برده‌ی سیاه از چند کیلومتری مرا دعوت کند، دعوتش را می‌پذیرم. امام حسن مجتبیٰ علیهما السلام نیز وقتی از کنار جمعی از فقرا که در حال خوردن غذا بود، عبور می‌نمود و آنان از ایشان دعوت نمود، فوراً پذیرفت و ضمن بیان این جمله: که خدا مستکبرین را دوست ندارد، از اسب پیاده شد و در کنار آنان نشست و باهم غذا خوردند و سپس آنان را به خانه خود دعوت نمود، غذا داد و لباس پوشانید (همان، ج ۴۳، ص ۳۵۲، باب ۱۶، ح ۲۸).

امام رضا علیهما السلام می‌فرماید: «السَّخِيُّ يَأْكُلُ طَعَامَ النَّاسِ لِيَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ وَ الْبَخِيلُ لَا يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لئَلَّا يَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۱۲، باب ۳۰، ح ۲۶)؛ (آدم سخاوتمند طعام مردم را می‌خورد تا مردم طعام او را بخورند و بخیل طعام مردم را نمی‌خورد تا طعام او را نخورند).

منتهی به هر خانه‌ای نباید رفت، و هر دعوتی را هم آدم نباید قبول کند، چون در اسلام سفارش شده است که: «وَلَا يَأْكُلُ طَعَامَكَ إِلَّا تَقِيًّا، وَلَا تَأْكُلْ طَعَامَ الْفَاسِقِينَ» (طوسی،

۱۴۱۴: ص ۵۳۵، باب ۱۹، ۱۱۶۲-۱). یعنی اگر می‌خواهی مهمانی بدهی، افراد با تقوی را دعوت کن، و اگر هم مهمانت کردند به خانه‌ی افراد با تقوا برو، و هرگز دعوت افراد فاسق را قبول نکن.

۳. اجازه‌خواستن به هنگام ورود

یکی دیگر از سبک‌های قرآنی در مورد مهمانی این است که مهمان، ورود خود را قبلاً به اطلاع میزبان برساند و با گرفتن اجازه‌ی ورود، موافقت صاحب‌خانه را جلب نماید. قرآن در آیه ۲۷ سوره نور در این مورد می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا﴾؛ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید).

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه می‌نویسد: «جالب اینکه در اینجا جمله "تستأذنوا" به کار رفته است نه "تستأذِنوا" زیرا جمله دوم فقط اجازه گرفتن را بیان می‌کند، در حالی که جمله اول که از ماده "انس" گرفته شده اجازه‌ای توأم با محبت و لطف و آشنایی و صداقت را می‌رساند، و نشان می‌دهد که حتی اجازه گرفتن باید کاملاً مؤدبانه و دوستانه و خالی از هرگونه خشونت باشد. بنا بر این، هرگاه این جمله را بشکافیم بسیاری از آداب انسانی در آن خلاصه شده است، مفهومش این است فریاد نکشید، در را محکم نکوبید، با عبارات خشک و زننده اجازه نگیرید، و به هنگامی ورود، با سلام که نشانه صلح و صفا و پیام‌آور محبت و دوستی است وارد شوید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۴، ص ۴۲۸).

آیه ۵۳ سوره احزاب نیز در باره‌ی مهمانی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ...﴾؛ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگز در

اطاقهای پیامبر سر زده داخل نشوید، مگر اینکه برای صرف غذا به شما اجازه داده شود).

آیه فوق یکی از آداب مهم معاشرت را بیان می‌کند، گرچه سخن در باره خانه پیامبر ﷺ است، ولی مسلماً این حکم اختصاص به او ندارد، و طبق مفاد خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا...» ایمان، مستلزم رعایت ادب و آداب اجتماعی است (همان، ج ۱۷، ص ۳۹۹؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۷، ص ۳۹۱). (چنان که در آیه ۲۷ سوره نور نیز آمده است) در هیچ مورد بدون اجازه نباید وارد خانه کسی شد. حتی در حالات پیامبر ﷺ می‌خوانیم که وقتی می‌خواست وارد خانه دخترش فاطمه علیها السلام شود بیرون در می‌ایستاد و اجازه می‌گرفت، و یک روز "جابر بن عبدالله" با او بود پس از آنکه برای خود اجازه گرفت برای "جابر" نیز اجازه گرفت! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۷، ص ۳۹۹؛ عروسی-حویزی، ۱۴۱۵: ج ۳، ص ۵۸۶).

حتی در روایات اسلامی می‌خوانیم که انسان به هنگامی که می‌خواهد وارد خانه خواهر، مادر یا پدر و یا حتی وارد خانه فرزند خود شود باید اجازه بگیرد (عروسی-حویزی، ۱۴۱۵: ج ۳، ص ۵۸۶؛ رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۳، ص ۳۵۹).

قرآن کریم در آیات ۵۸-۵۹ سوره نور، با تأکید بر اجازه گرفتن خدمت‌کاران و

۴۷

اطفال بالغ، حتی در مورد کودکان نابالغ هم دستور می‌دهد که در اوقات خاصی، اجازه ورود بگیرند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ...﴾ و إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ﴿؛ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما، و همچنین کودکانستان که به حد بلوغ

نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشا این سه وقت خصوصی برای شماست... و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همانگونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند).

۴. وارد نشدن در صورت عدم جواب و اجازه صریح

اذن ورود، اجازه صریح و قطعی می‌خواهد: «حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ». در بعضی از روستاها یا شهرها که در خانه‌ها باز است، همینطور بدون اجازه و گفتن «یا الله» داخل می‌شوند، در حالی که قرآن این فرهنگ را به شدت مردود می‌شمارد و در آیه ۲۸ سوره نور در تکمیل دستورات قبل به صراحت می‌فرماید: ﴿فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾؛ (اگر کسی در آن خانه نیافتید وارد آن نشوید تا به شما اجازه داده شود).

ممکن است منظور از این تعبیر آن باشد که گاه در آن خانه کسانی هستند، ولی کسی که به شما اذن دهد و صاحب اختیار و صاحب‌البیت باشد حضور ندارد شما در اینصورت حق ورود نخواهید داشت. و یا اینکه اصلاً کسی در خانه نیست، اما ممکن است صاحب‌خانه در منزل همسایگان و یا نزدیک آن محل باشد و به هنگامی که صدای در زدن و یا صدای شما را بشنود بیاید و اذن ورود دهد در این موقع حق ورود دارید، به هر حال آنچه مسلم است این است که بدون اذن داخل نشوید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴:

ج ۱۴، ص ۴۲۹).

۵. پذیرفتن عذر صاحب‌خانه و پرهیز از تجسس

اگر صاحب‌خانه خسته بود یا به هردلیلی عذر آورد و گفت برگردید، مهمان باید برگردد. آیه ۲۸ سوره نور در ادامه دستورات قبل، می‌فرماید: "و اگر به شما گفته شود

بازگردید، این سخن را پذیرا شوید و بازگردید، که برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است" ﴿وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكىٰ لَكُمْ﴾ اشاره به اینکه هرگز جواب رد شما را ناراحت نکند، چه بسا صاحب خانه در حالتی است که از دیدن شما در آن حالت ناراحت می‌شود، و یا وضع او و خانه‌اش آماده پذیرش مهمان نیست! و از آنجا که به هنگام شنیدن جواب منفی گاهی حس کنجکاوی بعضی تحریک می‌شود و به فکر این می‌افتند که از درز در، یا از طریق گوش فرا دادن و استراق سمع مطالبی از اسرار درون خانه را کشف کنند. در ذیل همین آیه می‌فرماید: "خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است" ﴿وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ (همان، ص ۴۲۹).

۶. سلام دادن

بعد از دعوت و اجابت و اذن ورود، نوبت سلام دادن می‌رسد که باید مهمان به اهل منزل و صاحب‌خانه سلام دهد. چرا که سلام نشانه صلح و صفا و پیام آور محبت و دوستی است. آیه ۲۷ سوره نور، بیانگر این دستور است: ﴿لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾.

قابل توجه اینکه قرآن کریم، این حکم را که جنبه انسانی و عاطفی آن روشن است، یعنی سبک اجازه خواستن و سلام کردن را در مهمانی‌ها، با دو جمله ﴿ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ و ﴿لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ همراه می‌کند که خود دلیلی بر آن است که اینگونه احکام ریشه در اعماق عواطف و عقل و شعور انسانی دارد که اگر انسان کمی در آن بیندیشد متذکر خواهد شد که خیر و صلاح او در آن است (پیشین، ص ۴۲۸).

علاوه بر این، سلام کردن یک شعار آسمانی و ادب الهی در طول تاریخ بوده است. قرآن کریم در چند مورد، وقتی حکایت مهمانان حضرت ابراهیم را - که

فرشتگان الهی بودند - بیان می‌دارد، می‌فرماید که آنان به هنگام ورودشان به خانه‌ی ابراهیم علیه السلام سلام گفتند: ﴿إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا﴾ (حجر/۵۲؛ ذاریات/۲۵؛ قریب همین مضمون، هود/۶۹).

خداوند هم در قرآن، بر حضرت نوح، ابراهیم، موسی و هارون، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بالآخره بر همه پیامبران سلام می‌فرستد (صافات، آیات: ۷۹، ۱۰۹، ۱۲۰، ۱۳۰، و ۱۸۱)، و بر پیامبر صلی الله علیه و آله هم دستور می‌دهد که بر مؤمنان و بندگان برگزیده‌اش سلام دهد (انعام/۲۴؛ نمل/۵۹) و حتی در مورد مشرکان و کسانی که پیام الهی را نمی‌پذیرند، آیه ۸۹ زخرف می‌فرماید: اعراض و جدایی از آنها با سلام باشد، نه توأم با خشونت و پر خاشگیری! همچنانکه در آیات ۵۵ قصص و ۶۳ سوره فرقان در مورد حق طلبان و بندگان شایسته خدا می‌فرماید: پاسخ آنان به سخنان زشت جاهلان و اعراض از آنها، با جمله "سلام علیکم" می‌باشد. ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ﴾.

فرشتگان الهی نیز در شب قدر پیوسته به یگدیگر و به مؤمنان سلام می‌دهند (قدر/۵)، و حتی مأموران مرگ هم هنگامی که برای قبض روح مؤمنان و بشارت بهشت می‌آیند، بر آنها سلام می‌گویند (نحل/۳۲) و تحیت فرشتگان الهی به آنها در (روز قیامت) روزی که او را دیدار می‌کنند نیز سلام است. ﴿تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ﴾ (احزاب/۴۴)؛ ﴿وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ﴾ (رعد/۲۳ و ۲۴)؛ (فرشتگان از هر دری بر آنها وارد می‌شوند و به آنها می‌گویند سلام بر شما).

در آیات دیگر قرآن نیز همین حقیقت با تعبیرات مختلفی آمده است، در آیه (۷۳ سوره زمر) می‌خوانیم: ﴿وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ﴾؛ "خازنان بهشت به هنگام ورود به آنها می‌گویند: سلام بر شما! گوارایتان باد این نعمتها! داخل بهشت

شوید و جاودانه بمانید. در (آیه ۳۴ سوره ق) نیز می‌خوانیم: ﴿ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ﴾ "با سلام و سلامت وارد آن شوید امروز روز خلود و جاودانی است".

تحیت بهشتیان نیز مرتباً به همدیگر سلام است (ابراهیم/۲۳؛ یونس/۱۰؛ اعراف/۴۶)، و جز سلام و تحیت و احترام هیچ لغوی نگویند و نشنوند: ﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيًا﴾ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا (واقعۀ ۲۵-۲۶). و خلاصه آنان، در آن غرفه‌های بهشتی با تحیت و سلام روبرو می‌شوند ﴿وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا﴾ (فرقان/۷۵).

نه تنها فرشتگان بر آنها درود می‌فرستند و خود آنها به یکدیگر، بلکه خداوند نیز بر آنها سلام می‌فرستد، چنانکه در آیه ۵۸ سوره یس می‌خوانیم: ﴿سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ﴾ (سلام [بر شما، این] سخنی است از سوی پروردگار مهربان).

۷. دعا در بدو ورود

دعا و یاد خداوند در ابتدای ورود به خانه میزبان از دیگر سبک‌های قرآن است که در حدیث وارد شده: رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود: هر گاه وارد منزلی شدی آیه ۲۹ سوره مؤمنون را تلاوت کن تا خداوند از خیر آن جا کامیاب کند و شرش را از تو دور سازد. «يَا عَلِيُّ إِذَا نَزَلْتَ مَنْزِلًا فَقُلِ اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مُنْزِلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ» (برقی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۳۷۴، باب ۳۶، ح ۱۴۲).

این روش اسلامی یکی از دستوراتی است که از روح ایمان و توحید سرچشمه می‌گیرد و آیه ۸۰ سوره اسراء نیز بیانگر آن است که دستور می‌دهد: "بگو پروردگارا! ورود مرا در هر کار صادقانه قرارده بگونه‌ای که هیچ کار فردی و اجتماعی را جز با صدق و راستی آغاز نکنم، همچنین هیچ برنامه‌ای را جز به راستی پایان ندهم، راستی و

صداقت و درستی و امانت، خط اصلی من در همه کارها باشد و آغاز و انجام همه چیز با آن صورت گیرد" ﴿وَقُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ لِّىْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا﴾.

۸. نشستن طبق دلخواه صاحبخانه

از بررسی فحوایی آیه ۵۳ احزاب و آیات ۲۷_۳۰ سوره نور به ضمیمه روایات تفسیری پیرامون آن که بیانگر وظائف مهمان است و سفارش اکید دارد در اذن ورود، عدم مزاحمت و رعایت حال میزبان و حفظ حرمت اهل حرم او در کیفیت سخن گفتن، سؤال و مطالبه اشیاء و به طور کلی هرگونه نشست و برخاست، شاید بتوان به این نکته رسید که بعد از ورود به منزل میزبان، حتی نشستن و انتخاب مکان مناسب نیز باید طبق دلخواه صاحبخانه باشد. چرا که صاحبخانه بهتر می داند جای مناسب برای مهمان کجاست؟ پس هر جا میزبان می گوید، همان جا باید نشست؛ نگوئیم: خیر اینجا خوب است، شاید صاحب خانه روی مصلحتی می گوید، که شما نمی دانید. ﴿ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ﴾... هُوَ اَزْكَى لَكُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ عَلِيْمٌ ﴿ (نور/۲۷ و ۲۸) ؛ (این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید... این برای شما پاکیزه تر است و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است!).

۹. ارزش دادن به اصل مهمانی، نه نوع غذا و...

آنچه مهم است، اجابت دعوت مؤمن و اصل مهمانی است، نه نوع غذا، حضور شخصیت های معروف، یا مهم بودن شخص، ثروت و قدرت او، و یا انگیزه های دیگر. ﴿اِلٰى طَعَامٍ ... دُعِيْتُمْ﴾ (احزاب/۵۳).

بنا بر این، رفتن به مهمانی باید برای خدا و به قصد اجابت دعوت و زیارت مؤمن باشد نه صرف غذا و نیت‌های ناپاک دیگر. حدیث داریم از امام باقر علیه السلام، کسی که مؤمنی را زیارت کند، مثل این است که خدا را زیارت کرده است (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴: ص ۶۱، ح ۱۸۵). کسی که می‌تواند به قصد زیارت مؤمن به مهمانی برود، چرا با انگیزه-های مادی و غیر الهی، خودش را از ثواب عظیم و ارزاق معنوی محروم نماید؟.

۱۰. اظهار محبت و گفتگو با میزبان و استفاده از طعام

اظهار محبت و گفتگو با میزبان و استفاده از غذای او یکی دیگر از آداب مربوط به مهمان است، چرا که سکوت و خاموشی و غذا نخوردن مهمان نشانه‌ی قصد سوء و خصومت با میزبان است. این موضوع از یک رسم و عادت دیرینه از عصر حضرت ابراهیم علیه السلام سرچشمه می‌گیرد. زیرا اگر کسی واقعا قصد سوئی نسبت به دیگری داشته باشد سعی می‌کند نان و نمک او را نخورد، روی این جهت ابراهیم علیه السلام، وقتی مشاهده کرد مهمانان تازه وارد دست به سوی غذا دراز نمی‌کنند، نسبت به آنها بدگمان شد، از کار آنها تعجب و در دل احساس ترس نمود ﴿قَلَمَّا رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً﴾. ولی رسولان که به این مسأله پی برده بودند، به زودی ابراهیم را از این فکر بیرون آوردند و با مهربانی به او گفتند: «ترس ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم» ﴿لَا تَخَفْ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ﴾ (هود/۶۹-۷۰). یعنی ما فرشته‌ایم و مأمور عذاب یک قوم ستمگر و فرشته غذا نمی‌خورد.

۱۱. پرهیز از رفتن قبل از وقت و حالت انتظار غذا

ضمن رعایت دستورات مقدماتی، حالا چه وقت برویم برای مهمانی؟ قرآن در آیه ۵۳ سوره احزاب می‌فرماید: هنگامی که دعوت به طعام می‌شوید باید وقت‌شناس باشید و

مزاحمت بی‌موقع برای صاحب خانه فراهم نکنید؛ یعنی قبل از موعد نروید که انتظار وقت غذا را بکشید. ﴿غَيْرَ نَاطِرِينَ إِيَّاهُ﴾.

وقتی هم که نشستید باز هم منتظر غذا نباشید، یعنی دائم نگویید که پس غذا چه شد؟ یا با زبان بگویی و یا با حرکات و رفتار خود این کار را بکنید. چرا که این مسئله شما باعث خجالت صاحب‌خانه می‌شود و چه بسا باعث عصبانیت مرد و دعوی او با خانواده‌ش گردد و بدینگونه، موجبات نزاع و کاهش محبت یک خانواده را فراهم آوریم.

۱۲. پرهیز از نشستن مختلط زن و مرد

این دستور مهم قرآن از وظایف و آداب میزبان نیز هست که توضیحات بیشتر را آنجا خواهیم داد.

۱۳. پرهیز از نجوا و درگوشی صحبت کردن

یکی دیگر از سبک‌های قرآن این است که مهمان پس از نشستن و استقرار یافتن، نباید با یکدیگر نجوا کنند. چرا که طبق آیه ۱۰ سوره مجادله، درگوشی صحبت کردن، خلاف مصلحت و از کارهای شیطان است که موجب آزردن برادران دینی می‌شود: ﴿إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا﴾.

۵۴

۱۴. پرهیز از سر و صدا و سخن گفتن با صدای بلند

پرهیز از مشاجره و سخن گفتن با صدای بلند، یکی دیگر از آداب سفره و مهمانی است. قرآن در آیه ۱۹ سوره لقمان با اشاره به اینکه تناسب جلسه را باید حفظ کرد و نباید فریاد کشید می‌فرماید: ﴿وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾؛ (از صدای خود بکاه [و هرگز فریاد مزن] که زشت‌ترین صداها صدای خران است).

۱۵. احترام و ارزش دادن به طعام میزبان

مسئله دیگری که باید از جانب مهمان رعایت شود این است که غذای میزبان را هم کم ارزش نشمارد. این وظیفه مهمان است اما اینکه صاحبخانه چه کند؟ در بحث آداب میزبان خواهد آمد.

علاوه بر اینکه به احترام میزبان، غذای او را نیز باید محترم بشماریم، این طعامی که صاحبخانه تهیه نموده است، نعمت الهی است که بی احترامی به آن و تمنای غذاهای رنگارنگ، نوعی کفران نعمت محسوب می شود که در آیه ۶۱ سوره بقره، به دنبال شرح مواهب فراوانی که خداوند به بنی اسرائیل ارزانی داشت، چگونگی کفران و ناسپاسی آنها را در برابر این نعمتهای بزرگ منعکس نموده و آنان را به خاطر تجمل پرستی، تنوع طلبی و زیاده خواهی، به شدت توبیخ نموده و مستحق خشم و غضب الهی می داند: ﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلَهَا قَالَ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوا أَمْرِي وَلَا تَنْصِبُوا لِلْأَلْبَانِ آلَاءًا فَإِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ فَأْتُوا اللَّهَ بِخَيْرِ مَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (و [نیز به خاطر بیاورید] زمانی را که گفتید: «ای موسی! هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفاء کنیم! از خدای خود بخواه که از آنچه زمین می رویاند، از سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیازش، برای ما فراهم سازد.» موسی گفت: «آیا غذای پست تر را به جای غذای بهتر انتخاب می کنید؟! ... و (مهر) ذلت و نیاز، بر پیشانی آنها زده شد و باز گرفتار خشم خدایی شدند...).

قرآن در آیات فراوان و از جمله آیه ۱۱۲ نحل، انسان ها را از ناسپاسی و زیاده خواهی برحذر داشته و نتیجه کفران نعمت های الهی را در قالب مثال عینی بیان نموده است: ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ

فَكَفَّرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١٠﴾ (و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید، پس [ساکنانش] نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به‌سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشانید).

۱۶. احترام به بزرگان و جا بازکردن برای آنها

توسعه‌دادن و جا بازکردن برای افراد تازه وارد، خصوصاً بزرگان و پیش‌کسوتان، یکی دیگر از آداب مهمانی است که موجب عدم سرگردانی و احیاناً خستگی و شرمندگی آنان می‌شود. زیرا معمولاً کسیکه وارد اتاق می‌شود در این فکر است که کجا بنشیند. لذا محلی را برای نشستن جستجو می‌کند. قرآن در آیه ۱۱ سوره مجادله برای حاضرین فرمان می‌دهد: "ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! هر گاه به شما گفته شود: «مجلس را وسعت بخشید» [و به تازه‌واردها جا دهید]، وسعت بخشید ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا﴾. چرا که اگر چنین کنید خداوند نیز جای شما را در بهشت وسعت می‌بخشد، و در این جهان به قلب و جان و رزق و روزی شما نیز وسعت می‌دهد ﴿يُفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ﴾.

رعایت این دستور اخلاقی، یکی از وسائل تحکیم پیوندهای محبت و دوستی است، بر عکسِ نجوا که در آیه قبل از این به آن اشاره شده و از عوامل نفرت و بدبینی و دشمنی است.

۵۶

در شأن نزول آیه نقل کرده‌اند که پیامبر ﷺ در یکی از روزهای جمعه در "صفه" (سکوی بزرگی که در کنار مسجد پیامبر ﷺ قرار داشت) همراه عده‌ای نشسته بودند و جا تنگ بود، در این‌هنگام گروهی از اصحاب بدر وارد شدند، در حالی که دیگران قبل

از آنها اطراف پیامبر ﷺ را پُر کرده بودند، هنگامی که مقابل پیامبر ﷺ رسیدند سلام کردند، پیامبر ﷺ و همراهان پاسخ گفتند، اما آنها روی پای خود ایستاده و منتظر بودند حاضران به آنها جا دهند ولی هیچکس تکان نخورد! این امر بر پیامبر ﷺ سخت آمد، رو به بعضی از کسانی که اطراف او نشسته بودند کرد و فرمود: فلان و فلانی برخیزید تا واردین بنشینند (و این در حقیقت نوعی ادب آموزی و درس احترام گذاردن به پیش کسوتان در ایمان و جهاد بود).

ولی این مطلب بر آن چند نفر که از جا برخاستند ناگوار آمد، به طوری که آثارش در چهره آنها نمایان گشت، منافقان (که از هر فرصتی استفاده می کردند) گفتند پیامبر ﷺ رسم عدالت را رعایت نکرد، کسانی را که عاشقانه نزدیک او نشسته بودند به خاطر افرادی که بعداً وارد مجلس شدند از جا بلند کرد، در اینجا آیه فوق نازل شد (و قسمتی از آداب نشستن در مجالس را برای آنها شرح داد) (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ص ۳۷۹).

۱۷. تغذیه حلال، آگاهانه و با دقت

خداوند متعال انواع غذاهای پاکیزه و مورد پسند انسان را اعم از میوه ها، حبوبات و گوشت های لذیذ در اختیار او قرار داده است ﴿وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ﴾. در این میان، نعمت طعام یکی از میلیون ها نعمتی است که تدبیر ربوبی آنها را برای رفع حوائج بشر در زندگیش فراهم کرده است و در عین حال که او را موظف نموده در هنگام استفاده از نعمتها جنبه های تشریعی و مسائل حلال و حرام را مورد توجه قرار دهد (بقره/۱۶۸؛ اعراف/۱۵۷)، انسان را رهنمون می سازد که اگر او در همین یک نعمت مطالعه کند، سعه تدبیر ربوبی را مشاهده خواهد کرد، تدبیری که عقلش را متحیر و مبهور خواهد

کرد و آن وقت خواهد فهمید که خدای تعالی چقدر نسبت به صلاح حال انسان و استقامت امر او عنایت دقیق دارد. و لذا خداوند در آیه ۲۴ سوره عبس دستور می‌دهد که انسان با دیده عبرت به طعامش نظر بیندازد ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾.

روشن است که منظور از "نگاه کردن" تماشای ظاهری نیست، بلکه نگاه به معنی دقت و اندیشه در ساختمان این مواد غذایی، و اجزاء حیاتبخش آن و تاثیرات شگرفی که در وجود انسان دارد، و سپس اندیشه در خالق آنها است. آدمی باید با نگاه به طعامش که لذیذ و نیروبخش است، ببیند که چگونه خداوند آن را آفریده و برای روزی بنده‌گانش آماده ساخته؟ و اندیشه نماید که این طعام به چه وجه احداث و ایجاد می‌شود و چه مراحل را طی کرده تا در اختیار او قرار گرفته است؟

اینگونه دقت در طعام و غذاخوردن، انسان را در مسیر توحید می‌اندازد که تأمین زندگی و بقاء انسان بسته بر تدبیر و رحمت واسعه الهی است و دسترسی انسان به طعام از راه نزول باران، روئیدن نباتات و نیز از راه حیوانات و... است که مواد روی زمین و گازهای هوا در اثر یک نظام اتم و اکمل، به خوردنیها و گوشت حیوانات مبدل شده و در اختیار انسان قرار می‌گیرد (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱۲، ص ۹۱). از این‌رو در ادامه آیات، بلا فاصله به نزول باران و شکافتن زمین، رویانیدن گیاهان، تاک و سبزیها، زیتون و نخل، باغهای پردرخت و میوه و علف، و بهره‌وری انسان و چارپایان‌شان اشاره می-

نماید: ﴿...إِنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدائقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ﴾.

در تفسیر آیه ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾ و اینکه مراد از طعام چیست؟ بعضی از محققین بر این نظر است که طعام شامل غذای روح و بدن می‌شود و باید هر دو از

جانب خدا باشد؛ یعنی همچنان که انسان در غذای جسمانی خود دقت می‌کند تا بداند آن غذا نازل شده از آسمان و از جانب خداوند است، پس همین‌طور مأمور است که نظر کند به غذای روحانی خود یعنی علم که سرچشمه اصلی دانش او کجا است تا مبدا از سرچشمه آلوده‌ای تغذیه شود و روح و جان او را بیمار کند یا به هلاکت افکند، و باید بداند که آن علم از جانب خداوند و از باران وحی به زمین نبوت و شجره رسالت و چشمه حکمت ریخته شده است تا آنکه صلاحیت برای غذای روح را داشته باشد (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ج ۱۴، ص ۵۹). چنانکه حضرت باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾ فرمود: «علمه الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ؟» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۵۰، باب النوادر من کتاب فضل العلم، ح ۸) یعنی منظور از "طعام" در اینجا "علم و دانشی" است که غذای روح انسان است، باید بنگرد که آن را از چه کسی باید اخذ نماید؟.

بعضی نیز معتقدند که منظور از نگاه کردن به مواد غذایی این است که انسان هنگامی که بر سر سفره می‌نشیند دقیقاً بنگرد که آنها را از چه راهی تهیه کرده؟ حلال یا حرام؟ مشروع یا نامشروع؟ و به این ترتیب جنبه‌های اخلاقی و تشریعی را مورد توجه قرار دهد. و نیز از طریق قیاس اولویت می‌توان مساله "حلال و حرام" و مشروع و نامشروع را به وسیله "دلالت التزامی" از آیه استفاده کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۶، ص ۱۴۷).

آری انسان باید درست و آگاهانه به طعام خویش، یعنی غذای جسمی و روحی خود بنگرد تا از سلامت بودن مطمئن شود.

۱۸. غذا خوردن به مقدار متعارف و پرهیز از اسراف

یکی دیگر از سبک‌های قرآن در مهمانی این است که مهمان باید به مقدار متعارف و به قدر حاجت و نیاز غذا بخورد. ﴿فَلْيَاْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ﴾. این جمله اگرچه در مورد اولیاء ایتم است ولی خوردن متعارف و شایسته و رعایت اعتدال و دوری از اسراف یک دستور عمومی است که در آیات متعدد به آن سفارش شده است. در آیه ۳۱ اعراف با ترغیب انسان به استفاده از مواهب الهی؛ یعنی خوردنیها و آشامیدنیهای پاک و پاکیزه، می‌گوید: و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد! ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾.

کلمه "اسراف" در فرهنگ قرآنی، مفهومی بسیار گسترده دارد که هر گونه زیاده‌روی در کمیت و کیفیت، بیهوده‌گرایی و تجمل‌گرایی در مصرف و بی‌توجهی در اتلاف و مانند آن‌را شامل می‌شود (همان، ج ۶، ص ۱۴۹). امام صادق (علیه السلام) در توضیح و تبیین معنی اسراف می‌فرماید: آنچه باعث از بین رفتن مال و زیان رساندن به بدن باشد، اسراف است: «إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِيمَا أُتْلَفَ الْمَالُ وَ أَضُرَّ بِالْبَدَنِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۶، ص ۴۹۹، باب الحمام، ح ۱۴).

اگرچه خداوند، زمین را آماده بهره‌برداری انسان و منبع تهیه غذا برای او قرار داده است (ملک/۱۵)، ولی استفاده از غذاهای سالم و پاکیزه از مهمترین عوامل سلامتی و رشد جسمی آدمی است که توانایی فعالیتهای علمی و معنوی و حرکت به سوی خداوند را در انسان به وجود می‌آورد. از این‌رو، باید دانست همانطور که کمبود غذا، ناتوانی و ضعف را به دنبال دارد پرخوری و تندخوری نیز موجب بیماریهای گوناگون برای آدمی می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۹، ص ۲۹۰)؛ علاوه بر اینکه تهیه غذاهای متنوع و فراوان در یک سفره، نشانه زیاده‌طلبی زشت سیرتان و آسیب زدن به حقوق نیازمندان می‌باشد.

به همین علت خداوند هشدار می‌دهد: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾.

۱۹. رعایت دوستان و اطرافیان در هنگام صرف غذا

دیگر از سبک‌های قرآنی این است که مهمان باید رعایت دوستان و یاران اطراف خود را در سر سفره و هنگام خوردن غذا و در همه حالات بنماید. آیه ۳۶ نساء ضمن دعوت به توحید و بیان یک رشته از حقوق اسلامی، به رعایت حال اطرافیان و همنشینان توصیه می‌نماید: ﴿...وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ﴾.

۲۰. اجازه خروج از صاحب‌خانه هنگام رفتن

و چون خواست از خانه بیرون رود، با اجازه خارج شود. ﴿وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ﴾ (نور/۶۲)؛ (و هنگامی که در کار مهمی با او باشند، بی‌اجازه او جایی نمی‌روند).
در قسمت آداب میزبان خواهد آمد که شایسته است صاحب‌خانه نیز اجازه دهد و با خروج مهمانان موافقت نماید.

۲۱. خارج شدن پس از صرف غذا و عدم مزاحمت برای صاحب‌خانه

از دیگر وظائف مهمان این است که بعد از خوردن غذا، خانه را ترک کند و منزل میزبان را محلّ گفت و شنود قرار نداده و مزاحمت بی‌موقع فراهم نکند، زیرا اذیت کردن میزبان از منظر قرآن ممنوع است. آیه ۵۳ احزاب با اشاره به مزاحمت بی‌موقع مهمانان و نشستن طولانی در خانه پیغمبر می‌فرماید: وقتی غذا خوردید، برخیزید بروید و خانه میزبان را محل بحث و گفتگو قرار ندهید: ﴿فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مَسْتَأْسِينَ

لِحَدِيثٍ ﴿۱﴾. بعد می‌گوید: ﴿إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ﴾ اینکه شما غذا می‌خورید و بعد هم نمی‌روید، پیغمبر ﷺ را اذیت می‌کند ولی از شما خجالت می‌کشد (و چیزی نمی‌گوید) اما خداوند از [بیان] حق شرم ندارد [و می‌گوید برخیزید و بروید] ﴿وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ﴾.

۲۲. دعا و شکرگزاری

انسان در زندگانی خویش از نعمت‌های فراوانی برخوردار است که از طرف خداوند به او انعام شده است. با توجه به حکم عقل به لزوم سپاسگزاری از مُنعم، بعد از صرف غذا و اتمام پذیرایی لازم است که مهمان، مُنعم واقعی را (که همان خداوند است) با زبان دعا و تسبیح، شکر گزار باشد. قرآن کریم در آیات مختلف ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد و از جمله در آیه ۱۱۴ سوره نحل می‌فرماید: ﴿فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾؛ (پس، از آنچه خدا روزیتان کرده است، حلال و پاکیزه بخورید و شکر نعمت خدا را بجا آورید اگر او را می‌پرستید!).

آیه ۱۵ سوره نبا نیز ضمن استفاده از روزی پروردگار، به لزوم شکر او فرمان می‌دهد: ﴿كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ﴾؛ (از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید).

از این رو قرآن کریم در آیات فراوانی، انسان‌ها را از ناسپاسی برحذر داشته و نتیجه کفران نعمتهای مادی و معنوی را سلب قطعی نعمتها و گرفتارشدن در عذاب معرفی می‌نماید: ﴿...فَكَفَرْتُ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ... فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾ (نحل/۱۱۲-۱۱۳).

۲۳. قدردانی و تشکر لفظی و عملی از صاحب‌خانه

آیاتی فراوانی در قرآن و از جمله آیه ۱۵ سوره نبا، ما را به سپاسگزاری و تشکر از صاحب نعمت فرا می‌خواند: ﴿وَاشْكُرُوا لَهُ﴾. اگر چه صاحب نعمت حقیقی خداوند است و سپاس مخصوص او، ولی از باب «وَمَنْ لَّمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ» (حلوانی، ۱۴۰۸: ص ۲۷)، تشکر زبانی از میزبان یک وظیفه و ادب مهم اسلامی است.

علاوه بر تشکر لفظی و زبانی، شاید یکی از شیوه‌های تشکر این باشد که اگر مهمان شدید شما هم مهمان کنید. چنانکه برخی مفسرین از آیه شریفه ۸۶ سوره نساء ﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها﴾ استفاده کرده‌اند که منظور از «تحیت» در اینجا، یک حکم کلی و عمومی در زمینه پاسخ‌گویی به تمام تحیتها و اظهار محبت‌هایی است که از طرف افراد مختلف می‌شود، خواه این اظهار محبت لفظی باشد یا عملی. ولی روشترین مصداق آن همان موضوع سلام کردن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۴۲).

از برخی روایات نیز استفاده می‌شود که اظهار محبت‌های عملی نیز در مفهوم "تحیت" داخل است، چنانچه در تفسیر آیه فوق از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده که «أَنَّ الْمُرَادَ بِالتَّحِيَّةِ فِي الْآيَةِ، السَّلَامُ وَغَيْرُهُ مِنَ الْبِرِّ وَالْإِحْسَانِ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۵۱، ح ۱۳۴)؛ (منظور از تحیت در آیه، سلام و هر گونه احسان و نیکی کردن است).

از این رو در روایت آمده که: "کنیزی یک شاخه گل خدمت امام حسن علیه السلام هدیه کرد، امام در مقابل آن وی را آزاد ساخت، و هنگامی که از علت این کار سؤال

کردند، فرمود: خداوند این ادب را به ما آموخته آنجا که می‌فرماید: ﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا﴾ و سپس اضافه فرمود: "تحیت بهتر، همان آزاد کردن او است!" (ابن- شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ج ۴، ص ۱۸).

ب: سبک میزبانی:

انفاق و اطعام و پرهیز از بخل یکی از صفات برجسته‌ی بندگان خدا و مورد تأیید دین مبین اسلام است (فجر/۱۸-۲۰؛ مدثر/۴۴؛ حاقه/۳۴؛ مائده/۸۹) که قرآن کریم ضمن توصیه به رعایت تقوا، تغذیه حلال و اعتدال در مصرف و پرهیز از تجمل‌گرایی، بر این صفت پسندیده سفارش نموده است (ر.ک: اسراء/۲۹، فرقان/۶۷، اعراف/۳۱؛ نحل/۱۱۴. و نیز سوره‌هایی: بقره/۶۱؛ ذاریات/۱۰؛ بقره/۲۱۱؛ هود/۱۶۱-۱۶۵؛ نحل/۱۱۲ و فرقان/۲۸). لذا در این قسمت، سبک‌ها و آدابی را که در مهمانی‌ها از جانب میزبان باید رعایت شود، از منظر قرآن کریم بررسی می‌نماییم:

سبک مهمانی و میزبانی از منظر قرآن

۱. دعوت نامه

در آموزه‌های اسلامی دعوت از مهمان، نشانه‌ی اکرام و احترام و موجب تألیف قلوب و استحکام محبت و دوستی‌ها است که قرآن کریم به رعایت این ادب اسلامی از جانب میزبان در آیه ۵۳ سوره احزاب اشاره نموده است: ﴿إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا﴾؛ (هنگامی که دعوت شدید وارد شوید).

۶۴

۲. جواب سلام را دادن

یکی دیگر از سبک‌های قرآنی در مورد میزبان این است که به محض ورود مهمانان و سلام کردن آنها، صاحب‌خانه باید به گرمی پاسخ دهد. چنانکه در سوره نساء

آیه ۸۶ می‌فرماید: ﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها﴾؛ (هر گاه به شما تحیت و سلامی گفته شد، شما نیز باید به تحیت و سلامی بهتر از آن یا مانند آن پاسخ دهید).
این ادب اسلامی از آیات ۲۵ ذاریات و ۶۹ سوره هود نیز قابل استفاده است که وقتی فرشتگان الهی به خانه ابراهیم علیه السلام وارد شدند و سلام دادند، با پاسخ شایسته و محبت‌آمیز آن حضرت مواجه گردیدند و این یک الگوی قرآنی برای همه میزبانان است. ﴿...إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ﴾؛ ﴿وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ...﴾.

۳. برخورد نیکو و تکریم مهمان

برخورد خوب و تکریم مهمان از دیگر وظائف میزبان از منظر قرآن است. از این- رو آیات ۲۴-۲۷ سوره ذاریات ضمن اینکه از مهمانان ابراهیم علیه السلام به عنوان گرامی داشته شده‌گان یاد می‌نماید ﴿...ضَيْفَ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ﴾، از برخورد نیکو و اظهار محبت ابراهیم علیه السلام، اینگونه تمجید می‌کند که با مهمانانش سلام و احوالپرسی و تعارف و خوش آمد صمیمانه داشته است: ﴿...قَالَ سَلَامٌ... فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ﴾ ﴿فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ﴾؛ (...[ابراهیم] گفت: «سلام! (بر شما) ... سپس گوساله فربه (و بریان‌شده‌ای) آورد، و نزدیک آنها گذارد (و) گفت: «آیا (غذا) نمی‌خورید؟!)).

۴. گفتگو و محاوره با مهمانان

احوالپرسی از مهمانان و گفتگو و محاوره با آنان یکی دیگر از سبک‌های قرآنی است که در سوره حجر آیات ۵۱-۶۰ و سوره ذاریات آیات ۲۴-۳۲ داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و گفتگو و پذیرایی شایسته‌ی او از مهمانانش را به عنوان مثال و نمونه‌ی عینی مطرح نموده است آنجا که می‌فرماید: ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ﴾

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٦٩﴾ فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ﴿٧٠﴾ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٧١﴾...إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ ﴿٧٢﴾ قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿٧٣﴾

۵. پذیرایی سریع و مطلوب

یکی دیگر از سبک‌های قرآنی این است که صاحب‌خانه موظف است سریعاً و به بهترین شکل از مهمان پذیرایی کند و او را معطل نگذارد؛ گاهی اوقات بعد از نماز مغرب مهمان دعوت می‌کنند ولی نصف شب مرخص می‌کنند. قرآن کریم در مورد پذیرایی سریع، در آیه ۶۹ هود از مهمان نوازی ابراهیم علیه السلام، اینگونه تمجید می‌نماید: ﴿فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ﴾ یعنی تا مهمان آمد، طولی نکشید که حضرت ابراهیم برایش غذا آورد، آنهم غذایی لذیذ و مطلوب. چنانچه در آیه ۲۶ سوره ذاریات می‌فرماید: گوساله‌ای فربه و بریانی برای آنها آورد" ﴿فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ﴾.

البته این در صورتی است که صاحب‌خانه متمکن بوده و مشقتی برایش نداشته باشد. و اما اگر برایش مقدور نبود، خودش را به درد سر و تکلف نیاندازد. (در سطور آینده در این مورد سخن خواهیم گفت).

۶. فرق نگذاشتن میان مهمانان

۶۶

از نظر قرآن پذیرایی از مهمان یک ارزش است اگر چه ناشناس، فقیر و... باشد: ﴿جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ﴾. آیه ۲۶ سوره ذاریات نیز با اشاره به این ارزش و ادب اسلامی، از مهمان‌نوازی و سخاوت‌مندی حضرت ابراهیم علیه السلام، تمجید می‌نماید که با وجود ناشناسی و غریبه بودن مهمانان، برای پذیرایی از آنها خود فوراً دست به کار شد، "و گوساله‌ای فربه و بریانی برای آنها آورد" ﴿فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ﴾.

در اسلام، مهمان حرمت ویژه‌ای دارد؛ کارگر، کاسب، فقیر، غنی، فرماندار و رعیت فرقی ندارند و همگی از حقوق یکسان برخوردارند. لذا دسته‌بندی مهمانان در اتاقهای جداگانه کار ناپسند است. «أَكْرَمَ الضَّيْفَ وَلَوْ كَانَ كَافِرًا» (شعیری، [بی تا]: ص ۸۴). و طبق مضمون آیه ۵۳ سوره احزاب، حتی مردم عادی می‌توانند به خانه اول شخصیت دینی رفت و آمد کرده و مهمان شوند ﴿يَبُوتَ النَّبِيُّ ... إِذَا دُعِيَتمْ فَادْخُلُوا﴾. لذا تقسیم هدایا، سفره غذا، تکریم و احترام و... باید برای همه یکسان و عادلانه باشد تا کسی احساس حقارت نکند. ﴿فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى﴾ (انعام ۱۵۲). از این رو امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نامه ۴۵ نهج البلاغه، فرماندار بصره را به خاطر شرکت در مهمانی که فقط سرمایه دارها حضور داشته سرزنش می‌نماید.

۷. پذیرایی محترمانه از مهمان

یکی دیگر از سبک‌های قابل توجه قرآن و بسیار متمایز از رسوم مدرن امروز این- است که صاحب‌خانه به احترام مهمان، غذا را نزد مهمان می‌آورد نه آنکه مهمان را به نزد غذا و محل پذیرایی ببرد. آیه ۲۷ ذاریات بیانگر این است که ابراهیم (علیه السلام) شخصاً غذا برای مهمانان آورد و نزدیک آنها گذارد ﴿فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ﴾.

مسئله دیگر این است که از مهمان سوال نشود غذا خورده یا خیر؟ چه میل داری؟ چه بیاورم و...؟ هرچه در خانه هست، محترمانه و بدون تعارف آورده شود. آیه ۶۹ سوره هود به ما می‌آموزد که ابراهیم (علیه السلام) از مهمانانش نپرسید آنها چه میل دارد؟ و آیا اصلاً غذا خورده یا نه؟ تا مهمان آمد فوراً رفت "و چیزی نگذشت که گوساله بریانی برای آنها آورد" ﴿فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِئٍ﴾. یا آنکه در آیه ۲۶ سوره ذاریات می-

خوانیم: حضرت ابراهیم علیه السلام "پنهانی به سوی خانواده خود رفت و گوساله‌ای فربه و بریانی برای آنها آورد" ﴿فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ﴾.

کلمه "راغ" چنان که راغب در مفردات می‌گوید از "روغ" (بر وزن شوق) به معنی حرکت کردن توأم با یک نقشه پنهانی است. چرا ابراهیم چنین کرد؟ برای اینکه ممکن بود اگر مهمانان متوجه شوند مانع از چنین پذیرایی پر هزینه‌ای گردند (مکارم- شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۲، ص ۳۴۵).

۸. انفاق از مال حلال

اطعام و انفاق مؤمنین و نیازمندان کار شایسته و سفارش قرآن است. اما اینکه میزبان از چه اموالی باید انفاق کرد؟ باز هم قرآن کریم آیه ۲۶۷ بقره خطاب به مؤمنان می‌فرماید: "از قسمت‌های پاکیزه اموالی که به دست آورده‌اید، انفاق کنید" ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ...﴾.

در باره شأن نزول این آیه از امام صادق علیه السلام نقل شده که افرادی ثروت‌هایی را از طریق رباخواری در زمان جاهلیت جمع آوری کرده بودند و از آن در راه خدا انفاق می‌کردند، خداوند آنها را از این کار نهی کرد، و دستور داد از اموال پاک و حلال در راه خدا انفاق کنند.

تفسیر نمونه ج ۲ ص ۳۳۴ ضمن نقل شأن نزول فوق می‌نویسد: «تعبیر به "طبیّات" (پاکیزه‌ها) هم پاکیزگی ظاهری را شامل می‌شود، و ارزش داشتن برای مصرف، و هم پاکیزگی معنوی، یعنی اموال شبهه‌ناک و حرام را».

۹. خلوص در انفاق و پرهیز از ریا و منت

خلوص در انفاق از دیگر دستورالعمل قرآن برای میزبان است. چرا که هر کاری اگر توأم با خلوص نیت نباشد در نزد خدا هیچ ارزشی ندارد؛ گاهی ممکن است در افطاری‌ها، عزاداری‌ها، ولیمه‌ها و مهمانی‌های ما، مسائل ریا، رقابت، چشم و هم‌چشمی و احیاناً نوعی منت‌گذاری مطرح باشد که این تمام ارزش و زحمات و همچنین پاداش اخروی را بر باد می‌دهد. علاوه بر اینکه ظاهر سازی و منت‌گذاشتن موجب اذیت روحی مهمان و احساس شرمندگی او نیز می‌گردد. از این رو قرآن در آیه ۲۶ ذاریات در باره حضرت ابراهیم می‌فرماید: ﴿فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ﴾. راغ بر خلاف ذهب؛ یعنی طوری رفت، شکل پنهانی که مهمان احساس منت و شرمندگی نکند.

قرآن در آیه ۲۶۴-۲۶۵ بقره ضمن باطل دانستن اعمال ریاکارانه و انفاقهای آمیخته با منت، تصریح دارد که ریاکاران از کاری که انجام میدهند هیچ چیزی به دست نمی‌آورند: ﴿لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا﴾. ولی اگر هدف تحصیل رضای خداوند و رشد و کمال روحی باشد، کارها چنان بارور می‌شود که همچون باغی که در نقطه بلندی باشد و بارانهای درشت و پی‌درپی به آن برسد (و به خاطر بلندی مکان، هوای آزاد و نور کافی، آنچنان رشد و نمو کند که) میوه خود را دو چندان دهد" ﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ﴾. سپس می‌افزاید: "و اگر باران درشتی بر آن نبارد لا اقل بارانهای ریز و شبنم بر آن می‌بارد" و باز هم میوه و ثمر می‌دهد و شاداب و با طراوت است ﴿فَإِنْ لَّمْ يُمْسِكْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ﴾.

آیه ۲۷ سوره مائده نیز با اشاره به داستان فرزندان حضرت آدم علیهم السلام و نپذیرفته شدن قربانی قابیل، عدم اخلاص و همراه نبودن عمل او با پرهیزگاری را دخیل در موضوع می‌داند: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾.

قرآن در آیه ۹ سوره انسان از اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که وقتی اینها می‌خواستند اطعام کنند بدون هیچ چشم‌داشتی به پاداش و یا تقدیر و تشکر مردم، فقط خالصانه برای خدا این کار را می‌کردند ﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾.

آیات ۱۹-۲۰ سوره لیل نیز با تأکید بر مسأله خلوص و پرهیز از معامله‌گری در انفاق، هرگونه نیت‌های انحرافی مانند انفاق کردن برای خوشنامی، جلب توجه مردم، کسب موقعیت اجتماعی، جوابگویی به خدمات سابق و پس‌دادن مهمانی‌های دیگران و امثال آن را به شدت نفی می‌کند: ﴿وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ إِلَّا إِذَا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ﴾؛ (و هیچ کس را را به قصد پاداش یافتن نعمت نمی‌بخشد، جز خواستن رضای پروردگارش که بسی برتر است [منظوری ندارد]).

۱۰. پرهیز از تکلف

پذیرایی خوب از مهمان یک وظیفه است. چندتا مهمان برای حضرت ابراهیم آمدند غذای مفصل تدارک دید. ﴿فَجَاءَ بِعِجْلِ سَمِينٍ﴾؛ ﴿جَاءَ بِعِجْلِ حَنِيزٍ﴾. اما این در صورتی است که برای میزبان مشقتی نداشته باشد و گرنه تکلف و زحمت به قیمت آبروریزی، قرض و... از منظر قرآن قابل قبول نیست.

در قرآن کریم سوره ص آیه ۸۶، پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از افتخارات خود را این می‌شمرد که اهل تکلف نیست ﴿وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾. عدم تکلف یعنی اینکه همین غذا، فرش و

ظروف معمولی و ساده کافی است و لازم نیست که شما به پیروی از عرف، آداب و رسوم غلط و سنت‌های کمرشکن تجمل‌گرایانه، جبراً یک هزینه اضافی متحمل شوید و خود را به سختی بیاندازید و آنها را اجاره کنید. این خود ما هستیم که با رسومات غلط برای خودمان دردسر می‌سازیم و گرنه خداوند حتی در واجبات و احکام هم فوق طاقت و توان ما را نخواسته است: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ (بقره/۸۵)؛ (خداوند، راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را!).

وظیفه مهمان نیز (چنانکه گذشت) احترام و ارزش گذاشتن به غذای صاحب‌خانه است. رسول خدا ﷺ فرمود: از شرافت و بزرگواری مرد نسبت به برادر مسلمانش این است که هدیه‌اش را قبول کند، و از آنچه دارد به او هدیه دهد، و خود را به خاطر او به مشقت نیاندازد (طبرسی، ۱۳۴۴: ص ۲۱۹).

۱۱. پرهیز از اسراف و رعایت اعتدال و صرفه‌جویی

استفاده عاقلانه و اعتدال‌آمیز از پوشش و تغذیه، صرفه‌جویی و دوری از تجمل و اسراف یک دستور مؤکد و عمومی است که در آیات متعدد قرآن به آن سفارش شده است (اسراء/۲۹ و فرقان/۶۷). در آیه ۳۱ اعراف ضمن ترغیب به استفاده از مواهب الهی، صرفه‌جویی را موجب محبوبیت در نزد خداوند دانسته و دستور می‌دهد که بهره‌گیری از زینت و غذا باید دور از اسراف باشد ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾.

رعایت عدل و اعتدال نشانه استحکام عقیده و اعتدال روح و روان انسان و استواری بر صراط مستقیم می‌باشد. چنانکه خداوند در آیه ۷۶ سوره نحل در مقام مقایسه دو نفر از بندگان می‌فرماید: ﴿هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ

مُسْتَقِيمٌ ﴿۱۹﴾ ؛ (آیا چنین انسانی، با کسیکه امر به عدل و داد می‌کند، و بر راهی راست قرار دارد، برابر است؟!).

از این رو قرآن در آیه ۶۷ سوره فرقان، اعتدال را یکی از مهمترین ویژگیهای نیک-سیرتان و عباد الرحمن دانسته و می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ ؛ (و کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، و میان این دو [روش] حدّ وسط را برمی‌گزینند).

امام صادق (علیه السلام) مقداری سنگریزه از زمین برداشت و مشت خود را بست و فرمود: این اقتار (سختگیری و بخل ورزیدن) است، سپس مشت دیگری برداشت و دست خود را چنان گشود که همه‌ی سنگریزه‌ها به زمین ریخت، آن گاه فرمود: این اسراف است. بار سوم مشت دیگری برداشت و دست خود را کمی باز کرد به‌طوری که مقداری از سنگریزه‌ها ریخت و مقداری در دستش باقی ماند، سپس فرمود: این، قوام و اعتدال و حد وسط است (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۸، ص: ۲۸۰).

بنابراین، اعتدال و صرفه‌جویی، مهمترین معیار برای سبک مهمانی قرآنی و بهترین میزان برای بندگی و سنجش اعمال می‌باشد.

۱۲. رعایت عرف و شأن و پرهیز از بخل و سخت‌گیری

اگر چه اسراف، تکلف و تجمل‌گرایی از منظر قرآن قابل قبول نیست، ولی اقتار و بخل و تنگدستی بیش از حد نیز از نظر قرآن مردود است. از این رو قرآن در آیات ۳۱-۳۲ سوره اعراف ضمن بر حذر داشتن از اسراف، با لحن نسبتاً تندی به پاسخ آنها که گمان می‌برند، سخت‌گیری در انفاق، تحریم زینتها و پرهیز از غذاها و روزیهای پاک و حلال، نشانه زهد و پارسایی و مایه قرب به پروردگار است، می‌پردازد و می‌گوید: ای

پیامبر "بگو چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگانش آفریده و همچنین مواهب و روزی‌های پاکیزه را تحریم کرده است" ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾.

در آیه ۲۹ اسراء نیز می‌خوانیم که خداوند به پیامبر اکرم ﷺ خطاب می‌نماید: ﴿لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ﴾؛ یعنی نه دستت را به گردنت غل و زنجیر کن و بخیل باش و نه کاملاً آن را باز بگذار و ولخرجی و اسراف کن.

امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه ۶۷ سوره فرقان ﴿...وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾، مقدار هزینه و انفاق معتدل را همان مقدار معروفی دانستند که در آیه ۲۳۶ سوره بقره آمده: ﴿عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ﴾؛ یعنی توانگر در شأن توانمندی خود و تهیدست در حدّ توان خود مطابق عرف پسندیده و شأن خود بدهد (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۴، ص ۵۶، باب كَرَاهِيَةِ السَّرْفِ وَالتَّقْتِيرِ، ح ۸).

۱۳. پرهیز از اختلاط زن و مرد

رعایت محرم و نامحرم و عدم اختلاط زن و مرد یک دستور مهم اسلامی است که هم برای مهمان و هم برای میزبان رعایتش ضروری است. قرآن کریم آیه ۵۳ سوره احزاب با اشاره به این مسأله به افرادی که به خانه پیامبر ﷺ می‌آمدند دستور می‌دهد که شما که به خانه پیغمبر مهمانی آمده‌اید، حق ندارید با زنهای پیغمبر سلام علیک کنید و چیزی بگیرید و بستانید. اگر هم یکوقت اضطراری شده و چیزی خواستید، از پشت پرده از آنان بخواهید: ﴿فَسأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ﴾.

اگر چه سخن در باره خانه پیامبر ﷺ است، ولی مسلماً این حکم اختصاص به او ندارد و در تمام مهمانی‌ها باید رعایت شود و هیچکس حق ندارد در جلسه مهمانی به

صورت مختلط شرکت کند، بلکه در مهمانی و آمد و شدها و در گرفتن‌ها از پشت پرده باشد؛ یک سفره نیاندازیم و بگوییم که همه مثل خواهر و برادر هستیم. همه نامحرم هستیم و باید سفره‌ی زنها از مردها جدا باشد. متأسفانه گاهی افطاری مستحب است ولی سر سفره افطاری عمل حرام انجام می‌شود. قرآن در آیه ۱۰۴ سوره کهف می‌فرماید: "زیانکارترین مردم کسانی هستند که کوشش‌هایشان در زندگی دنیا گم و نابود شده با این حال گمان می‌کنند کار نیک انجام می‌دهند!" ﴿الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾.

امام حسین علیه السلام در دعای عرفه می‌فرماید: خدایا عبادت‌های بعضی گناه است تا چه رسد به گناهانشان! یعنی افطاری می‌دهد اما در افطاری چنان زن و مرد مخلوط می‌شوند که درست نیست.

از سوی دیگر، مساحت و فضای کوچک خانه‌ها بدلیل گرانی بیش از حد مسکن و سبک معماری امروز که متأسفانه متأثر از فرهنگ غرب است، ناخودآگاه و بناچار میان ما و فرهنگ اسلامی و سبک قرآنی فاصله انداخته و باعث مشکلات خانوادها و اختلاط زن و مرد گردیده است که شایسته است در خانه‌سازی‌ها و ساخت بناهای جدید، فرهنگ اصیل اسلامی و قرآنی مورد توجه قرارگیرد.

۱۴. حمایت از مهمان و حفظ حرمت و آبروی او

حمایت و حفظ حرمت مهمان جزء وظائف مهمی است که میزبان باید به آن توجه لازم را داشته باشد. چرا که به تعبیر صاحب التحقیق، «إِنَّ الضَّيْفَ إِذَا نَزَلَ فِي بَيْتٍ: يَصِيرُ فِي عِدَادِ عَائِلَةِ صَاحِبِ الْبَيْتِ فَعَلَيْهِ إِطْعَامُهُ وَ إِسْكَانُهُ وَ تَأْمِينُ مَالِهِ وَ نَفْسِهِ»؛ یعنی مهمان جزء عائله‌ی صاحب‌خانه محسوب می‌شود که اطعام و اسکان و حفظ مال و جان‌ش به

عهده اوست. و این به خاطر مقتضای معنی ماده "ضیف" است که همان تمایل به سوی خانه دیگری به جهت یک غرض می باشد (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۷، ص ۷۵).

قرآن در آیات ۷۷_۷۸ سوره هود و ۶۱_۶۹ سوره حجر ضمن حکایت داستان قوم گنهکار لوط و آگاه شدن آنها از ورود مهمانان جوان و زیباروی در خانه لوط و هجوم آنان برای اجرای یک نقشه شوم و ننگین، حضرت لوط ضمن نصیحت و امر به معروف بر سر آنان فریاد زد که: "از خدا بترسید، آبروی مرا نبرید، و با قصد سوء در مورد میهمانانم مرا رسوا مسازید" ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي﴾؛ ﴿إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُون﴾ ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ﴾.

در مورد حفظ آبروی مهمان داستان جالبی از امام رضا علیه السلام نقل شده که برای ما آموزنده است: حضرت برای مهمانش رختخواب آورد. مهمان که نمی خواست امام زحمت بکشد، خودش رفت تا رختخواب را باز کند، حضرت فرمود: شما کنار برو و رویت را هم برگردان! امام علیه السلام رختخواب را پهن کرد، فرمود: بیا بخواب. مهمان خوابید و صبح که بیدار شد، فکر کرد که باز هم باید امام علیه السلام رختخوابش را جمع کند. رفت کنار ایستاد و رویش را برگرداند. امام رضا علیه السلام فرمود: بیا رختخوابت را جمع کن. گفت: دیشب خواستم پهن کنم فرمودید: رویت را برگردان. صبح کنار رفتم، فرمودید: بیا جمع کن. دلیل دیشب و امروز صبح چیست؟ فرمود: این رختخوابی است که مهمانها در آن می خوابند ممکن است از مهمان قبلی، آلودگی و یا بوی نامطبوع و چیزی مشاهده کنی که تو را ناراحت کند. ولی دیشب خودت خوابیدی و باید هم خودت لحاف را جمع کنی تا مبدا من چیزی را ببینم و تو شرمنده شوی! این اخلاق چه قدر دقیق و آموزنده است (قرائتی، [بی تا]: سال ۶۹، ص ۲).

۱۵. پرهیز از به کارگیری مهمان

از آیات ۶۹ هود و ۲۶_۲۷ ذاریات مربوط به مهمانی ابراهیم استفاده می‌شود که همه کارها و خدمات را خود آنحضرت مباشرتاً انجام داد و از مهمانان کار نکشید. و این یک الگو برای میزبانی است.

لذا در روایت آمده که: شبی حضرت رضا علیه السلام با مهمانش نشسته و مشغول صحبت بود که ناگهان چراغ کم نور شد، مهمان دست دراز کرد تا درستش کند، امام علیه السلام فوری دستش را گرفت و خود مشغول اصلاح چراغ گردید تا درست شد آنگاه فرمود: «إِنَّا قَوْمٌ لَا نَسْتَعْدِمُ أَضْيَافَنَا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۹، ص ۱۰۲، باب ۷، ح ۲۰)؛ (ما خانواده‌ای هستیم که مهمان خود را بخدمت نمی‌گماریم).

البته که نباید از مهمان کار کشید، ولی معنایش این نیست که مهمان هم هیچ-همکاری نکند. بسیار خوب است که مهمان‌ها خودشان دوستانه به هم کمک کنند. اما اگر میزبان بگوید: بیا این وظیفه را به عهده بگیر، این تحقیر مهمان است. حدیث داریم: «اِخْذُمُ أَخَاكَ فَإِنْ اسْتَعْدَمَكَ فَلَا وَ لَا كَرَامَهَ» (همان، ج ۷۱، ص ۱۷۸، باب ۱۱، ح ۲۰)؛ به برادرت خدمت کن، اما اگر او خواست از تو کار بکشد زیر بار نرو. یعنی داوطلبانه قبول کن، اما کار تحمیلی را نپذیر.

۱۶. همیاری و کمک اعضای خانواده و گروه

۷۶

قبلاً در ضمن مقدمات اشاره شد که ضیافت و مهمانی، اکرام و احسان به مهمان از دستورات مهم اسلامی است که قرآن آنرا از صفات برجسته‌ی بندگان خدا برشمرده است. لذا همکاری و کمک اعضای خانواده و گروه در پذیرایی شایسته از مهمانان،

مصدق بارز معاونت در نیکوکاری است که قرآن در آیه ۲ سوره مائده به همکاری بایکدیگر در مورد آن سفارش نموده است: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾.

این دستور به این معنی است که در خانه وقتی مهمانی هست زن و مرد همه با هم کمک کنند. نگویند مهمان من هستند یا تو؟ افطاری دادن، اطعام و مهمانی ثواب دارد و همه در این کار ثواب، شریک شوند. البته این مهمانی‌ها، مخصوص خانه است. ولی در یک کاروان و گروه، همه باید در کارها سهم بگیرند و چه خوب که همه ایشارگر باشند؛ یعنی برای خدمت از همدیگر سبقت بجویند و دیگری را در مخدومیت و خدمتگزاری ترجیح دهند.

از این رو وقتی کاروانی از مکه برگشتند، در نزد امام صادق علیه السلام از فضل و خوبی یک شخصی در کاروان تمجید نمودند، امام فرمود: چه می‌کرد؟ گفتند او دائماً در حال نماز و خواندن قرآن و عبادت بود. امام علیه السلام پرسید: پس کارهایش را چه کسی می‌کرد؟ گفتند ما. فرمود: اتفاقاً همین حمالی شما از قرآن خواندن او بهتر بوده است (قرائتی، [بی تا]: سال ۷۶، ص ۲).

۱۷. موافقت با درخواست اجازه مهمانان برای خروج

از دیگر سبک‌های قرآنی این است که وقتی مهمان از میزبان تقاضای اجازه خروج نماید، صاحب‌خانه نیز شایسته است که اجازه دهد و با خروج مهمانان موافقت نماید. چنانکه آیه ۶۲ سوره نور بیانگر آن است: ﴿فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ﴾؛ (پس هنگامی که برای برخی از کارهایشان از تو اجازه خواستند، به هر کس از آنان که خواستی اجازه ده).

۱۸. دعا و بدرقه مهمان

دعا و طلب آمرزش برای مهمان از دیگر سبک‌های قرآن است. چنانکه آیه ۲۸ سوره نوح از دعا و آمرزش خواستن حضرت نوح برای داخل‌شوندگان درخانه‌اش و جمیع مؤمنین و مؤمنات حکایت دارد: ﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾.

در ضمن، بدرقه مهمان به عنوان آخرین وظیفه میزبان اگر چه در قرآن مطرح نگردیده است، ولی در روایات اسلامی به آن سفارش شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ حَقَّ الضَّيْفُ أَنْ تَمْشِيَ مَعَهُ فَتُخْرِجَهُ مِنْ حَرِيمِكَ إِلَى الْبَابِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۷۰، ح ۱۴-۳۲۳)؛ (حق مهمان اینست که او را مشایعت کنی و با او از حریم خانه خود تا در خانه بروی).

البته این دستورات اسلامی خیلی ظریف است و نیاز به دقت دارد؛ به این معنی که در عین بدرقه مهمان، میزبان حق همکاری در بیرون بردن وسایل مهمان از خانه‌اش را ندارد. اما هنگامی که به استقبالش می‌رود باید با مهمان کمک نماید و چیزی که در دست دارد از او بگیرد (قرائتی، [بی تا]: سال ۶۷، ص ۴).

نتیجه:

قرآن مجید کتاب هدایت و نسخه سعادت بشر است که در طول قرون و اعصار از جهات مختلف در حیات فردی و اجتماعی انسانها تأثیرات شگرفی داشته که نمونه بارز آن، اصلاح سبک زندگی بسیار منحط جاهلی است که آنان به برکت اسلام و قرآن به حیات طیبه نائل گردیدند. و امروز هم قرآن می‌تواند با نفوذ معنوی در مراحل مختلف زندگی، تمام جنبه‌های فردی، اجتماعی، مادی و معنوی جامعه اسلامی را اصلاح و متحول سازد. ولی صد افسوس که ما از معارف و آموزه‌های بلند قرآن فاصله گرفتیم و با رسومات و عاداتهای غلط، زندگی پر تجملات و مشقت‌باری را برای خود به وجود آورده‌ایم.

از این‌رو اصلاح سبک زندگی از کیفیت پوشش گرفته تا گفتار و رفتار، معاشرت‌ها و ارتباطات اجتماعی و...، و انطباق آن با آموزه‌های قرآن از دغدغه‌های همیشگی اندیشوران مسلمان بوده که در این راستا رهبر معظم انقلاب^{دام‌عزه} تأکید و اهتمام ویژه داشته‌اند. در راستای لَبَّیک به ندای دلسوزانه رهبر معظم و بهره‌گیری از آموزه‌ها و معارف و حیانی، مقاله حاضر یکی از جنبه‌های مهم زندگی یعنی **سبک "مهمانی و میزبانی"** را از منظر قرآن مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های تحقیق که در مجموع ۴۱ روش قرآنی در مورد مهمان و میزبان می‌باشد، حاکی از آن است که اگر امروز این سبک متعالی و متعادل قرآنی در مهمانی‌ها و میزبانی‌ها مورد توجه قرارگیرد، یک تحول مهمی در رفتار و فرهنگ اجتماعی و اقتصادی بوجود خواهد آمد که موجب پدیدار شدن محبت و دوستی‌ها، استحکام روابط اجتماعی و بنیان خانواده‌ها و حتی باعث رشد اقتصادی و معیشتی آنان گردیده و توسعه فرهنگی مورد نظر اسلام در این بُعد از زندگی محقق خواهد شد.

به هر حال ما می‌توانیم با استمداد از خالق یکتا و الگوگیری از فرهنگ قرآن، آداب و سبک مهمانی‌ها، عروسی‌ها و سایر مراودات اجتماعی مان را بسیار به سبک زیبا، دلنشین و متعالی بنیان نهاده و یک زندگی سعادت‌مندانه و توأم با آرامش و اطمینان خاطر را در سایه این کتاب آسمانی سپری نمائیم.



منابع:

قرآن کریم

- نهج البلاغه (ترجمه محمددشتی)، قم، انتشارات مشهور، هشتم/۱۳۸۰ش.
- ابن بابویه، محمد بن ۶ علی، عیون أخبار الرضا، تهران، نشر جهان، اول/۱۳۷۸ق.
- ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه، قم، سیدالشهداء، اول/۱۴۰۵ق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبی طالب، قم، علامه، اول/۱۳۷۹ق.
- الکوّاز، محمد کریم، سبک شناسی اعجاز بلاغی قرآن، تهران، نشر سخن، اول/۱۳۸۶ش.
- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، قم، دار الکتب الإسلامیه، دوم/۱۳۷۱ق.
- بستانی، فؤاد افرام / رضا، مهیار، فرهنگ ابجدی، تهران، انتشارات اسلامی، دوم/۱۳۷۵ش
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، تهران، میقات، اول/۱۳۶۳ش.
- حلوانی، حسین بن محمد، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، قم، مدرسه الإمام المهدی (عج)، اول/۱۴۰۸ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ قرآن، بیروت، دارالقلم، اول/۱۴۱۲ق.

- رازی، فخرالدین مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، سوم/۱۴۲۰ق.
- شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف، مطبعة حیدریه، اول، [بی تا].
- طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، قم، دارالثقافه، اول/۱۴۱۴ق.
- طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار، نجف، مکتبه الحیدریه، دوم/۱۳۴۴ش
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو، سوم/۱۳۷۲ش.
- طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، سوم/۱۳۷۵ش.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، چهارم/۱۴۱۵ق.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید (جیبی)، تهران، امیرکبیر، سی و چهارم/۱۳۸۵ش.
- قرشی بنایی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ششم/۱۴۱۲ق.
- _____، تفسیر أحسن الحديث، تهران، بنیاد بعثت، سوم/۱۳۷۷ش.
- قرائتی، محسن، تفسیرنور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، یازدهم/۱۳۸۳ش.
- _____ برنامه درس‌هایی از قرآن، سالهای ۶۷، ۶۹ و ۷۶، [بی جا]، [بی تا].
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم/۱۳۶۵ش.
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید، المؤمن، قم، مؤسسه الإمام المهدی، ۱۴۰۴ق.
- مفید، محمد بن محمد، الأمالی، قم، کنگره شیخ مفید، اول/۱۴۱۳ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، اول/۱۳۷۴ش.
مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و
ارشاد، اول/۱۳۶۸ش.

